

مدل‌یابی معادلات ساختاری تعیین‌گرهای مشکلات بین فردی: نقش سبک‌های دلبستگی و انحرافات شناختی بین فردی در دانش آموزان

Structural equation modeling of determinative interpersonal problems: The role of attachment styles and interpersonal cognitive distortions in students

Mohammad Setayeshi Azhari,
Islamic Azad University
Rasoul Heshmati
University of Tabriz
Safarali Dehghan
Educational Psychology

محمد ستایشی اظهاری*
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم
رسول حشمتی
دانشگاه تبریز
صفرعلی دهقان
روانشناسی تربیتی

Abstract

One of the most important factors affecting interpersonal problems is early childhood experiences with parents. These experiences play an important role in developing attachment. The present study was undertaken to investigate the mediating role of interpersonal cognitive distortions in the relationship between attachment styles and interpersonal problems. A total of 214 participants completed the Collins and Read attachment style (RASS), interpersonal cognitive distortions scale (ICDS), and interpersonal problems scale (IIP-32). Structural equation modeling (SEM) and Bootstrap tests were conducted to examine direct and indirect pathways of the study's model, respectively. The results of the study showed that attachment styles and interpersonal problems are antecedents and consequences of interpersonal cognitive distortions, respectively, in students. The results also indicated that interpersonal cognitive distortions play a significant mediating role on the relationship between attachment styles and interpersonal problems ($CFI=.95$, $GFI=.94$, $NFI=.9$, $RMSEA=.058$). Furthermore, the findings of this study revealed that attachment styles and interpersonal cognitive distortions play a role in students' interpersonal problems. A fit model was tested and used to explain students' interpersonal problems.

Keywords: attachment style, interpersonal cognitive distortions, interpersonal problems

چکیده

یکی از عوامل مؤثر بر مشکلات بین فردی، تجربه‌های اولیه فرد با والدین خود در زمان کودکی است. این تجربه‌ها در شکل‌گیری دلبستگی تأثیر بسزایی دارد. در این پژوهش نقش واسطه‌ای انحرافات شناختی بین فردی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی مورد مطالعه قرار گرفت. به این منظور ۲۱۴ نفر به پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کولینز و رید (RASS)، پرسشنامه انحرافات شناختی بین فردی (ICDS) و پرسشنامه مشکلات بین فردی (IIP-32) پاسخ دادند. برای برازش مدل از مدل‌یابی معادلات ساختاری و برای آزمون مسیر غیرمستقیم از بوت استرپ بهره گرفته شد. نتایج نشان داد که سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی به ترتیب پیشابند و پیامد انحرافات شناختی بین فردی هستند. نتایج نشان داده است که انحرافات شناختی بین فردی، نقش واسطه‌ای معناداری در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی دارد ($GFI=.94$ ، $CFI=.95$ ، $NFI=.9$ ، $RMSEA=.058$). بر اساس یافته‌های پژوهش، سبک‌های دلبستگی و انحرافات شناختی بین فردی در مشکلات بین فردی دانش آموزان نقش دارد. همچنین، مدل آزمون شده، مدلی مطلوب برای تبیین مشکلات بین فردی دانش آموزان است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، انحرافات شناختی بین فردی، مشکلات بین فردی

* نشانی پستی نویسنده: گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم انسانی، قم، ایران. پست الکترونیکی: Setayeshi_m@yahoo.com

مقدمه

مشکلات بین فردی مسئله‌ای است که در ارتباط با دیگران امکان بروز دارد. به‌عنوان مثال، ارتباط برقرار کردن دشوار فرد با دیگران یا تلاش‌های عمده فرد در برآورده ساختن نیازهای دیگران به منظور خوشحال‌سازی آنها (مک اوی، بورگس و نادن، ۲۰۱۴). شمار زیادی از درمان‌جویانی که به کلینیک‌های روان‌درمانی - مشاوره مراجعه می‌کنند از مشکلات بین فردی شکایت دارند (گرهارت، باکر، هارگر و رونان، ۲۰۱۴). پژوهش‌های روانشناسی نشان داده‌اند که مشکلات بین فردی با مشکلات عدیده دیگری همراه است که نشان می‌دهد سبک دلبستگی فرد در دوران کودکی، در شکل‌گیری روابط بین‌فردی در بزرگسالی و هیجانات و رشد روانی اجتماعی او نقش بسزایی دارد (پارتر، گلدن، ۲۰۰۹؛ فرگیور، کاپی، روسینی، گیاردا، راگی و فیرون، ۲۰۰۹). پژوهشگران در این حوزه به عوامل متعددی که به مشکلات بین‌فردی مرتبط است اشاره می‌کنند، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (دیم، ۲۰۱۳)، عزت‌نفس (لمپارد، بینر و مک لین، ۲۰۱۱)، ناگویی هیجانی (غیابی و بشارت، ۲۰۱۱؛ زائری و بشارت، ۲۰۱۰؛ مگانک، وانهیول، انسلگر و دمست، ۲۰۰۹)، بیان خشم (هان، وون، کیم و لی، ۲۰۱۵)، نمونه‌ای از این عوامل هستند.

یکی از عوامل مرتبط با مشکلات بین‌فردی در افراد، سبک‌های دلبستگی است. بهنجار و نابهنجار بودن روابط بین-فردی، به‌گونه‌ای عمیق از سبک دلبستگی تأثیر می‌پذیرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دلبستگی ایمن با ویژگی‌های ارتباطی مثبت شامل صمیمیت و خرسندی، دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری در صمیمیت، تعهد و دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دلمشغولی در مورد روابط توأم با خرسندی کم، مرتبط است (فینی و نولر، ۱۹۹۰؛ به نقل از بشارت، ۱۳۸۲؛ برنن^۱، ۱۹۹۹؛ شریف، یادگاری، بهرامی و خرسندی، ۲۰۱۸). نظریه دلبستگی،

متکی بر کارهای اولیه جان بالبی^۳ (۱۹۸۰) است. بالبی (۱۹۶۹) معتقد است که انسان‌ها الگوهای کارکرد درونی خودشان یا بازنمایی‌های روانی از خود و دیگران را از طریق تجارب دوران کودکی‌شان با مراقبان اولیه شکل می‌دهند. این تئوری، پیوستاری را بین دوران کودکی و الگوی کارکرد ذهنی در نوجوانی در حوزه ارتباطات نزدیک و صمیمی ترسیم می‌کند. بر این اساس، هازن و شیور^۴ (۱۹۸۷) سه الگوی دلبستگی در دوره نوجوانی را شناسایی کردند؛ ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا. بعد از این طبقه‌بندی بود که بارتولومف و هوروویتز^۵ (۱۹۹۱) یک الگوی چهار طبقه‌ای از سبک‌های دلبستگی (ایمنی، شیفتگی، اجتنابی ترس‌آمیز، اجتناب - تحقیرآمیز) را ارائه نمودند.

سبک دلبستگی در دوره نوزادی و اوایل دوران کودکی شکل می‌گیرد و پایه‌ای برای بازنمایی دلبستگی در تمام دوره‌های تحولی است (چو و لئونگ، ۲۰۱۶؛ هوکینگ، سیمونز و سورته، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها در مورد دلبستگی بزرگسالان نشان داده‌است که اشخاصی که دلبستگی ایمنی دارند با ویژگی‌هایی چون صمیمیت، اطمینان بیشتر، رضایت بین فردی بهتر مشخص می‌شوند (ویدوم، سجزا، کوزاکوسکی و چوهان، ۲۰۱۷؛ سنر، باتسیکتک و کندا، ۲۰۱۸). افرادی که دلبستگی نایمن دارند با ویژگی‌هایی همچون عزت نفس پایین، احساس وابستگی، حسادت، ناامیدی در روابط و تمایل به کنترل بیش از حد در روابطشان مشخص شدند (دونیتا و ماریا، ۲۰۱۵؛ کیلمانن، لی، سوهن، لی، سونگ، پارک و لی، ۲۰۱۸)؛ این افراد زمانی که نشانه‌هایی از طرد و رها شدن در روابط وجود داشته باشد از خود واکنش ترس و عصبانیت نشان می‌دهند (کید و شفیلد^۶، ۲۰۰۵). افراد با سبک اجتنابی از صمیمی بودن و نزدیکی با دیگران خودداری می‌کنند، به دیگران اعتماد ندارند، منفی بوده و از نظر دیگران غیر قابل پیش‌بینی هستند (کیلمانن و همکاران،

³. Bowlby

⁴. Hazan & Shaver

⁵. Bartholomew & Horowitz

⁶. Kidd & Sheffield

¹. Feeny & Noller

². Brennan

دل‌بستگی نیز با تأثیری که بر انحرافات شناختی بین‌فردی دارد می‌تواند از این طریق به‌طور غیرمستقیم با مشکلات بین فردی در ارتباط باشد. اما از آنجایی که تا به حال هیچ پژوهشی به بررسی اثر مستقیم و غیر مستقیم (یا واسطه‌ای) سبک‌های دل‌بستگی تا کنون به مشکلات بین‌فردی در قالب یک مدل ساختاری نپرداخته‌است و غالب پژوهش‌ها از نوع رابطه‌ای ساده و یا آزمایشی است و مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌تواند ساز و کارهای تأثیرگذاری متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، انحرافات شناختی بین‌فردی و مشکلات بین‌فردی بر یکدیگر را آشکار سازد و مضامین مهمی را درباره آگاهی از ساز و کارهای تأثیرگذاری به وجود آورد. به لحاظ نظری، یافته پژوهش حاضر به بسط و تعدیل دیدگاه‌های نظری و تجربی متغیرهای سبک‌های دل‌بستگی، انحرافات شناختی بین‌فردی و مشکلات بین‌فردی کمک خواهد کرد، و به لحاظ اهمیت کاربردی این یافته‌ها برای متخصصان و مشاوران مدارس کاربرد فراوانی خواهد داشت؛ همچنین علی‌رغم حساسیت دوره نوجوانی، نقش رگه‌های شخصیتی مانند کیفیت دل‌بستگی و همچنین نقش اساسی انحرافات شناختی در تحقیقات قبلی روشن نشده و بیشتر تحقیقات بر روی نمونه‌های بزرگسال صورت گرفته‌است. بنابراین، مسئله اساسی پژوهش حاضر، ابتدا بررسی نقش واسطه‌ای انحرافات شناختی بین‌فردی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی و مشکلات بین‌فردی در قالب مدل مفروض است (شکل ۱).

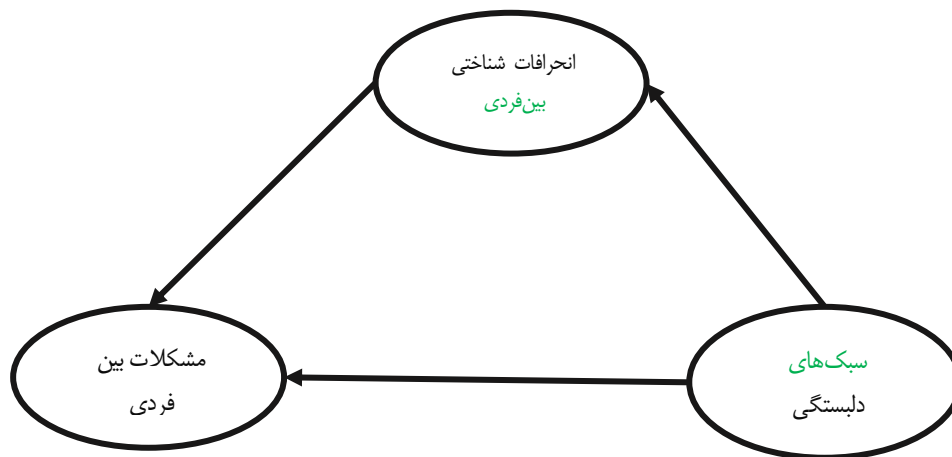
در این راستا استپ، مورس، یاگی، رینولدز، رید و پیکانیس (۲۰۰۸) در پژوهشی نشان دادند که بین سبک‌های دل‌بستگی اجتنابی و اضطرابی با مشکلات بین فردی رابطه وجود دارد؛ بین رفتار خصمانه در روابط بین‌فردی و سبک دل‌بستگی اضطرابی نیز رابطه وجود دارد (لاوسون و بروسات، ۲۰۰۱). همچنین بسیاری از پژوهشگران نشان داده‌اند که افراد با دل‌بستگی ناایمن مشکلات بین فردی بیشتری نسبت به افراد با دل‌بستگی ایمن دارند (بشارت، گلی نژاد و احمدی، ۱۳۸۲؛ سنیر و ویسمن، ۲۰۱۶؛ دونکل، لوازوزکی و چوا، ۲۰۱۶).

یکی دیگر از عواملی که با مشکلات بین‌فردی مرتبط دانسته‌اند انحرافات شناختی بین‌فردی است. تحریفات شناختی بین‌فردی، باورهای عمیق، غیرمنطقی و سفت و سختی در روابط با اطرافیان تعریف شده است (الیس، ۲۰۰۳). اونز، اسکرزپیک و والدهام (۲۰۱۴) نشان دادند که دانش‌آموزان دارای سطح بالاتر از انحرافات شناختی در روابط، بیشتر به رفتار قلدری می‌پردازند. امبر و داگلاس^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی جهت بررسی طرح‌واره‌های شناختی و تمایلات و کنش‌های بین‌شخصی نشان دادند که طرح‌واره‌های سالم ارتباطی به‌صورت مثبت همبسته با انسجام شناختی است و همچنین طرح‌واره‌های سالم به‌عنوان یک عامل مصالحه‌گر در تعارضات فرد نقش ایفا می‌نماید؛ بطوریکه منجر به ارتباط با خود و دوستان نزدیک در موقعیت‌های تعارضی می‌گردد. حمام‌چی و بویوک اوزتورک^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی جهت ارزیابی تحریف‌های شناختی در روابط بین‌شخصی به سه عامل طرد در روابط بین‌شخصی، انتظارات غیرواقع‌بینانه در روابط و سوء ادراک در روابط بین‌شخصی اشاره داشتند.

مروری بر پیشینه پژوهشی انحرافات شناختی بین‌فردی نشان می‌دهد که انحرافات شناختی بین‌فردی نیز مشکلاتی را در رابطه با اطرافیان ایجاد می‌کند؛ از طرفی سبک‌های

¹. Amber & Douglas

². Hamamci & Buyukozturk



شکل ۱

مدل پیشنهادی پژوهش

میان همه مدارس انتخاب شده، ۵ کلاس به روش تصادفی انتخاب و همه دانش‌آموزان کلاس‌ها مورد مطالعه قرار گرفتند. در نهایت تعداد ۲۱۴ دانش‌آموز، نمونه پژوهش را تشکیل دادند.

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که پس از انتخاب دانش‌آموزان، هر سه پرسشنامه قبل از شروع کلاس به‌طور همزمان در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. قبل از اجرای پژوهش، به دانش‌آموزان گفته شد که انتخاب آنها کاملاً تصادفی بوده است و برای انجام پژوهشی دانشگاهی انتخاب شده‌اند و لذا نیاز به ذکر نام خود در پرسشنامه‌ها ندارند. سپس، به دانش‌آموزان گفته شد که تمامی اطلاعات و جواب‌هایی که در پرسشنامه ارائه می‌دهند به‌طور کامل محرمانه خواهد بود و متنی در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات، راز داری و آزادی شرکت در پژوهش خوانده شد و از دانش‌آموزان خواسته شد که گوش دهند و بدین ترتیب رضایت کتبی و شفاهی آنان جهت شرکت در پژوهش جلب گردید. جهت افزایش انگیزه در دانش‌آموزان به آنها گفته شد که نتایج تست در اختیارشان قرار خواهد گرفت و در صورت تمایل می‌توانند خدمات مشاوره رایگان دریافت کنند.

مدل پیشنهادی این پژوهش در نمودار فوق نشان داده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی در دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم به نمایش گذاشته شده است. در مسیر فرضی غیر مستقیم، سبک‌های دلبستگی سبب انحرافات شناختی بین شخصی در نوجوانان دانش‌آموز می‌شود و انحرافات شناختی به‌عنوان متغیر واسطه‌ای، عاملی برای مشکلات بین شخصی می‌شود؛ در حالی که در مسیر فرضی مستقیم نوع سبک‌های دلبستگی است که بدون هیچ‌گونه واسطه‌ای موجب مشکلات بین شخصی در میان دانش‌آموزان نوجوان می‌گردد.

روش کار

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: پژوهش حاضر یک مطالعه همبستگی از نوع علی مقایسه‌ای است. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر تبریز بود که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ مشغول به تحصیل بودند. در این پژوهش، جهت آزمایش الگوی پژوهش از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. به این صورت که ابتدا از بین ۱۲ ناحیه آموزش و پرورش شهر تبریز، یک ناحیه انتخاب شد و سپس ۲ مدرسه به روش تصادفی انتخاب شدند. سپس از

دست آوردند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۶ و ۰/۷۵ محاسبه گردید.

مقیاس تحریفات شناختی بین فردی حمام چی و بویوک اوزتورک (۲۰۰۴): این مقیاس ۱۹ ماده دارد و یک پرسشنامه خودگزارشی است. خرده‌مقیاس‌ها شامل طرد در روابط بین فردی، انتظارات غیر واقع‌بینانه در روابط، و سوء ادراک (درک نادرست) در روابط بین فردی می‌شود. مطالعات روان‌سنجی کیفیت روان‌سنجی بالایی را برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. پایایی آن از طریق همسانی درونی توسط آلفای کرونباخ و همچنین از طریق آزمون مجدد پس از دو هفته برای کل مقیاس به ترتیب (۰/۶۷، ۰/۷۴) و برای خرده‌مقیاس‌های طرد در روابط بین فردی (۰/۶۶، ۰/۷۶) و سوء ادراک در روابط بین فردی (۰/۴۳، ۰/۷۴) به دست آمده‌است (حمام چی و بویوک اوزتورک، ۲۰۰۴). روایی آن از طریق همبستگی با مقیاس‌های باورهای غیرمنطقی، مقیاس افکار خودکار و مقیاس گرایش به تعارض در روابط بین فردی به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۵۳ و ۰/۵۳ به دست آمده که همگی در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار بودند (حمام چی و بویوک اوزتورک، ۲۰۰۴). این مقیاس نیز توسط اسماعیل پور، بخشی پور و محمدزادگان (۱۳۹۳) اعتباریابی شد که این سازه با پرسشنامه‌های سبک‌های دفاعی و صفات شخصیت مرزی رابطه معناداری دارند که حاکی از آن است که این مقیاس دارای روایی همزمانی قابل قبولی است. برای بررسی روایی این پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی نشان داد که مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری برابر با ۰/۷۲ است؛ همچنین، میزان مجذور خی کروییت بارتلت ۵۲۲/۴۱ به دست آمد که با درجه آزادی ۱۵۳ در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است. این مقادیر حاکی از مناسب بودن داده‌ها است. به علاوه، بر اساس نتایج تحلیل عاملی تأییدی در نرم افزار AMOS، مقادیر

پرسشنامه دل‌بستگی کولینز و رید (۱۹۹۰): این مقیاس توسط کولینز و رید در سال ۱۹۹۰ ساخته شد و دارای ۱۸ گویه است که سه مؤلفه را مورد بررسی قرار می‌دهد. مؤلفه اول، نزدیک بودن است که هر عامل ۶ گویه را شامل می‌شود. در پژوهشی که توسط کولینز و رید (۱۹۹۰) انجام دادند، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۶۹ را برای خرده‌مقیاس محصور بودن، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۵ را برای خرده‌مقیاس وابسته بودن، و همچنین ضریب آلفای کرونباخ اضطراب را ۰/۷۲ نیز محاسبه کردند. همچنین ضریب آزمون باز-آزمون، بعد از دو ماه برای خرده‌مقیاس محصور بودن ۰/۶۸، برای خرده‌مقیاس وابسته بودن ۰/۷۱، و برای خرده‌مقیاس اضطراب ۰/۷۲ نیز گزارش کرده‌اند. در ایران به‌منظور روایی محتوایی این پرسشنامه، همبستگی هر خرده-مقیاس را با نمره کل محاسبه کردند، برای خرده‌مقیاس نزدیک بودن ضریب همبستگی ۰/۵۷، برای وابستگی ۰/۴۵، و برای اضطراب نیز ۰/۷۱ محاسبه گردید که نشانگر روایی همزمان قابل قبول این مقیاس است (پاکدامن، ۱۳۸۳؛ به نقل از مویدفر، محمدیان و طباطبایی، ۱۳۸۴). برای بررسی روایی این پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی نشان داد که مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری برابر با ۰/۷۱ است؛ همچنین، میزان مجذور خی کروییت بارتلت ۴۷۰/۴۵ به دست آمد که با درجه آزادی ۱۵۳ در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است، این مقادیر حاکی از مناسب بودن داده‌ها است. به علاوه، بر اساس نتایج تحلیل عاملی تأییدی در نرم افزار AMOS، مقادیر شاخص‌های GFI، AGFI، IFI، TLI، مجذور خی و RMSEA به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۱، ۰/۸۸، ۴/۳۲، ۰/۰۷ به دست آمد که نشان دهنده آن است که این پرسشنامه از شاخص‌های برازندگی مطلوبی برخوردار است. همچنین، همه ماده‌های این پرسشنامه بر روی عامل اصلی خود بار مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۱ به

آمد که با درجه آزادی ۴۰۶ در سطح ۰/۰۰۱ معنی‌دار است، این مقادیر حاکی از مناسب بودن داده‌ها است. به علاوه بر اساس نتایج تحلیل عامل تأییدی در نرم افزار AMOS، مقادیر شاخص‌های GFI، AGFI، TLI، IFI، مجذور خی و RMSEA به ترتیب ۰/۸۸، ۰/۸۷، ۰/۸۵، ۰/۸۴، ۵/۵۶، ۰/۰۹ به دست آمد که نشان‌دهنده آن است که این پرسشنامه از شاخص‌های برازندگی مطلوبی برخوردار است. همچنین، همه ماده‌های این پرسشنامه بر روی عامل اصلی خود بار مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۱ به دست آوردند. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ برای مردم‌آمیزی، جرأت‌ورزی، مشارکت با دیگران، حمایت از دیگران، پرخاشگری، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران، و وابستگی به دیگران به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۷۳، ۰/۷۶، ۰/۶۹، ۰/۷۱، ۰/۷، ۰/۷۳ به دست آمد.

یافته‌ها

شرکت کنندگان پژوهش شامل ۲۱۴ دانش‌آموز پسر در دامنه سنی ۱۸-۱۵ سال بود. میانگین سنی در این نمونه ۱۶/۱۲ (SD=۰/۷) بود. دانش‌آموزان در رشته‌های مختلف شاخه فنی و حرفه‌ای و نظری مشغول به تحصیل بودند. در شاخه نظری، حدود ۳۱/۸ درصد دانش‌آموزان در رشته انسانی، ۱۰/۹ درصد در رشته ریاضی و ۹/۱ درصد در رشته تجربی تحصیل می‌کردند. همچنین در شاخه فنی و حرفه‌ای ۱۹/۲ درصد دانش‌آموزان در رشته برق، ۶/۱ درصد در رشته تأسیسات، ۱۱/۷ درصد در رشته مکانیک، ۱۱/۲ درصد نیز در رشته کامپیوتر مشغول به تحصیل بودند. ۶/۸ درصد شرکت کنندگان در این پژوهش از پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، ۱۵/۳ درصد از پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا و ۷۷/۹ درصد هم از طبقه اجتماعی-اقتصادی متوسط برخوردار بودند. برای برآزش مدل از معادلات ساختاری (با رعایت تمامی مفروضه‌ها شامل نرمال بودن، خطی بودن، عدم هم‌خطی چندگانه و نبود داده‌های پرت، در نرم افزار SPSS نسخه ۲۱) استفاده شد که در زیر آمده است.

شاخص‌های GFI، AGFI، TLI، IFI، مجذور خی و RMSEA به ترتیب ۰/۹۳، ۰/۹، ۰/۸۹، ۰/۸۷، ۳/۸۷، ۰/۰۵ به دست آمد که نشان‌دهنده آن است که این پرسشنامه از شاخص‌های برازندگی مطلوبی برخوردار است. همچنین، همه ماده‌های این پرسشنامه بر روی عامل اصلی خود بار مثبت و معنی‌دار در سطح ۰/۰۰۱ به دست آوردند. ضریب آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های طرد در روابط بین‌فردی، انتظارات غیر واقع‌بینانه در روابط، و سوء ادراک (درک نادرست) در روابط بین‌فردی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸، ۰/۸۵ محاسبه گردید. مقیاس مشکلات بین فردی بارخام و همکاران (۱۹۹۶): این مقیاس فرم کوتاه ۱۲۷ سؤالی، مقیاس مشکلات بین‌فردی است که توسط بارخام و همکاران در سال ۱۹۹۶ ساخته شد و دارای ۳۲ گویه با هشت خرده‌مقیاس است که عبارتند از: مردم‌آمیزی، جرأت‌ورزی، مشارکت با دیگران، حمایت از دیگران، پرخاشگری، گشودگی، در نظر گرفتن دیگران، و وابستگی به دیگران. گویه‌ها روی یک مقیاس لیکرت ۵ درجه از (۰ = به هیچ وجه) تا (۴ = به شدت) نمره‌گذاری می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۶ نیز است؛ همچنین ضریب آلفا کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های جرأت‌ورزی ۰/۸۶، وابستگی به دیگران ۰/۷۱، پرخاشگری ۰/۸۵، گشودگی ۰/۸، حمایت از دیگران ۰/۷۵، مردم‌آمیزی ۰/۷۵، در نظر گرفتن دیگران ۰/۷۲، و مشارکت با دیگران ۰/۸۹ است (بارخام، هاردی و استارتاپ، ۱۹۹۶). این مقیاس در ایران نیز توسط فتح، فلاح، طباطبایی و رحیمی (۱۳۹۲) آزمایش و به کارگرفته شد که مقدار کایزر مایرز اولکین را برابر با ۰/۸۵ گزارش کردند. همچنین این مقیاس با مقیاس ناگویی هیجانی رابطه مثبت و معناداری دارد که نشانگر روایی همزمان این مقیاس است. برای بررسی روایی این پرسشنامه از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی استفاده شد. نتایج تحلیل عامل اکتشافی به روش مؤلفه‌های اصلی نشان داد که مقدار شاخص کفایت نمونه‌گیری برابر با ۰/۶۳ است؛ همچنین میزان مجذور خی کرویت بارتلت ۹۵۲/۶۱ به دست

جدول ۱

یافته‌های توصیفی و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	میانگین	SD	کجی	کشیدگی	۱	۲	۳	۴	۵
۱	نزدیک بودن	۱۶/۶۷	۳/۶۱	-۰/۱	۰/۱۹	۱				
۲	وابستگی	۱۴/۹۵	۳/۷۲	۰/۱۹	-۰/۰۴	۰/۳۹*	۱			
۳	اضطراب	۱۶/۹۷	۴/۴۷	۰/۰۱	-۰/۱۲	۰/۳۸*	۰/۴۶*	۱		
۴	انحرافات شناختی بین فردی	۴۹/۰۷	۹/۹۷		۰/۰۳۷	۰/۰۳۷*	۰/۲۶*	۰/۲۷*	۱	
۵	طرد در روابط	۲۳/۲۳	۵/۴۲	-۰/۳۷	۰/۰۲	۰/۱۶*	۰/۲۲*	۰/۲۷*	۰/۰۴۲	۱
۶	انتظارات غیر واقع بینانه	۱۸	۴/۶۸	۰/۲۸	۰/۳۲	۰/۱۴*	-۰/۱۴*	۰/۱*	۰/۰۱۵	۰/۴۸*
۷	سو ادراک	۷/۸۴	۲/۵	۰/۱۸	-۰/۱۵	-۰/۰۴	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۳	۰/۴۶*
۸	مشکلات بین فردی	۶۷/۲۷	۱۲/۹۲	۰/۱۴	۰/۳۴	۰/۰۲	۰/۲۳*	۰/۲۵*	۰/۴۵*	۰/۰۳
۹	صراحت و مردم آمیزی	۱۵	۴/۱۸	۰/۷۷	۱/۶	۰/۰۸	۰/۱۸*	۰/۰۲	۰/۰۵	*۰/۱۷
۱۰	گشودگی	۹/۶۲	۲/۷۳	۰/۵۳	۰/۶۹	۰/۱۶*	۰/۱*	۰/۲۴*	-۰/۰۱	۰/۲۶*
۱۱	در نظر گرفتن دیگران	۱۰/۳۲	۳/۰۲	۰/۰۸	-۰/۴۵	۰/۶۱*	۰/۳۶*	۰/۲۵*	۰/۰۴	۰/۴۶*
۱۲	پرخاشگری	۹/۱۴	۳/۳۷	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۱۲*	۰/۰۴	۰/۰۱	-۰/۰۵	۰/۱۶*
۱۳	حمایت‌گری	۱۶/۱۶	۴/۲۱	۰/۲۶	۰/۰۴	۰/۲۲*	۰/۱۹*	۰/۱۵*	۰/۰۶	۰/۴*
۱۴	وابستگی	۷/۱۷	۲/۵۲	۰/۰۳	۰/۳۳	۰/۱۳*	۰/۱۹*	۰/۰۸	-۰/۰۸	۰/۲۳*

ادامه جدول ۱

ردیف	متغیر	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	نزدیک بودن									
۲	وابستگی									
۳	اضطراب احزانات									
۴	شناختی بین -۱۹									
۵	طرد در روابط									
۶	انتظارات غیر واقع بینانه	۱								
۷	سوادارک	۰/۳۳*	۱							
۸	مشکلات بین فردی	-۰/۰۴	-۰/۰۱	۱						
۹	صراحت و مردم آمیزی	*۰/۲۴	۰/۰۹	-۰/۰۱	۱					
۱۰	گشودگی	۰/۱۹*	۰/۱۹*	۰/۰۱	۰/۱۹*	۱				
۱۱	در نظر گرفتن دیگران	۰/۲۴*	۰/۲۶*	۰/۰۴	۰/۳۴	۰/۳۱	۱			
۱۲	پر خانسگری	۰/۲۲*	۰/۲۵*	-۰/۰۸	۰/۲۳*	۰/۱۸*	۰/۱۲*	۱		
۱۳	حمایت گری	۰/۲۴*	۰/۲۱*	۰/۰۲	۰/۴۳*	۰/۳۸*	۰/۲۳*	۰/۲۳*	۱	
۱۴	وابستگی	۰/۲۸*	۰/۲۲*	-۰/۰۷	۰/۳۱*	۰/۳۷*	۰/۲۵*	۰/۳۸*	۰/۳۶*	۱

* همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنی دار است.

انحرافات شناختی بین فردی، وابستگی و اضطراب، گشودگی و مشکلات بین فردی، در نظر گرفتن دیگران و انحرافات شناختی بین فردی، در نظر گرفتن دیگران و مشکلات بین فردی، پرخاشگری و انحرافات شناختی بین فردی، پرخاشگری و اضطراب، پرخاشگری و وابستگی، حمایت‌گری و انحرافات شناختی بین فردی، وابستگی و انحرافات شناختی بین فردی، پرخاشگری و مشکلات بین فردی، حمایت‌گری و مشکلات بین فردی، وابستگی و مشکلات بین فردی نیز معنادار نیست ($p < 0/01$). بقیه روابط همان‌طور که در جدول نشان داده شده معنادار هستند ($p < 0/01$). به‌علاوه، در پژوهش حاضر به‌منظور بررسی اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش از مدل معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار LISREL استفاده شد که در ادامه ضرایب مسیر و شاخص‌های برازندگی الگوی پیشنهادی پژوهش آمده‌اند.

بر اساس نتایج تحلیل همبستگی جدول ۱، روابط انحرافات شناختی بین فردی و دلبستگی نزدیک بودن، انحرافات شناختی بین فردی دلبستگی وابستگی، انحرافات شناختی بین فردی دلبستگی اضطراب، طرد در روابط و انحرافات شناختی بین فردی، انتظارات غیر واقع‌بینانه و انحرافات شناختی بین فردی، سوءادراک و نزدیک بودن، سوءادراک و وابستگی، سوءادراک و اضطراب، سوءادراک و انحرافات شناختی بین فردی، مشکلات بین فردی و نزدیک بودن، مشکلات بین فردی و وابستگی، مشکلات بین فردی و اضطراب، مشکلات بین فردی و طرد در روابط، مشکلات بین فردی و انتظارات غیر واقع‌بینانه، مشکلات بین فردی و سوء ادراک، صراحت و مردم‌آمیزی و اضطراب، صراحت و مردم‌آمیزی و نزدیک بودن، صراحت و مردم‌آمیزی و انحرافات شناختی بین فردی، صراحت و مردم‌آمیزی و سوء ادراک، صراحت و مردم‌آمیزی و مشکلات بین فردی، گشودگی و

مدل اندازه‌گیری

جدول ۲

سبک‌های دلبستگی (Ksi)

T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	سبک‌های دلبستگی (Ksi)
۷/۷۵	۰/۵۹	۲/۱۲	نزدیک بودن
۸/۶۸	۰/۶۸	۲/۵۴	دلبستگی
۸/۱۱	۰/۶۳	۲/۸۲	اضطراب

همان‌طور که مندرجات جدول نشان می‌دهد زیرمقیاس عاملی خوبی با مقیاس دلبستگی دارند. های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب نیز هرکدام با بار

جدول ۳

انحرافات شناختی بین فردی و مشکلات بین فردی (Eta)

T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	انحرافات شناختی بین فردی (Eta)	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد	مشکلات بین فردی (Eta)
-	۰/۷۸	۴/۲۴	طرد در روابط	-	۰/۵۴	۲/۲۳	صراحت و مردم‌آمیزی
۶/۷۲	۰/۶۲	۲/۹	انتظارات غیرواقع‌بینانه	۵/۶۴	۰/۵۱	۱/۳۸	گشودگی

ادامه جدول ۳

مشکلات بین فردی (Eta)	ضرایب		انحرافات شناختی بین فردی (Eta)	ضرایب		T
	غیراستاندارد	استاندارد		غیراستاندارد	استاندارد	
در نظر گرفتن دیگران پرخاشگری حمایت گری وابستگی	۲/۰۶	۰/۶۹	سو ادراک	۶/۰۹	۰/۶۹	۵/۷۵
	۱/۰۱	۰/۳		۳/۷۲	۰/۳	
	۲/۸۴	۱/۶۸		۶/۰۴	۱/۶۸	
	۱/۱۹	۱/۴۷		۵/۳۵	۱/۴۷	

همان طور که مشاهده می شود زیرمقیاس های پرسشنامه خوبی با پرسشنامه مذکور دارند. مشکلات بین فردی و انحرافات شناختی بین فردی بار عاملی

جدول ۴

مدل ساختاری در روابط بین متغیرهای غیراستاندارد Ksi و Eta

P	T	ضرایب		مسیرها
		غیراستاندارد	استاندارد	
۰/۰۰۱	۳/۸۵	۰/۳۸	۰/۳۸	سبک های دلبستگی ← انحرافات شناختی بین فردی
۰/۰۰۱	۳/۱	۰/۳	۰/۳۱	سبک های دلبستگی ← مشکلات بین فردی
۰/۰۰۱	۴/۳۴	۰/۵۲	۰/۵۳	انحرافات شناختی بین فردی ← مشکلات بین فردی

همان طور که در نمودار ۱ مشاهده می شود ضرایب سبک های دلبستگی به مشکلات بین فردی در سطح مسیره های سبک های دلبستگی به انحرافات شناختی بین فردی، انحرافات شناختی بین فردی به مشکلات بین فردی، و

۰/۰۱ معنی دار هستند ($p < 0.01$).

جدول ۵

شاخص های نیکویی برازش مدل پیشنهادی پژوهش

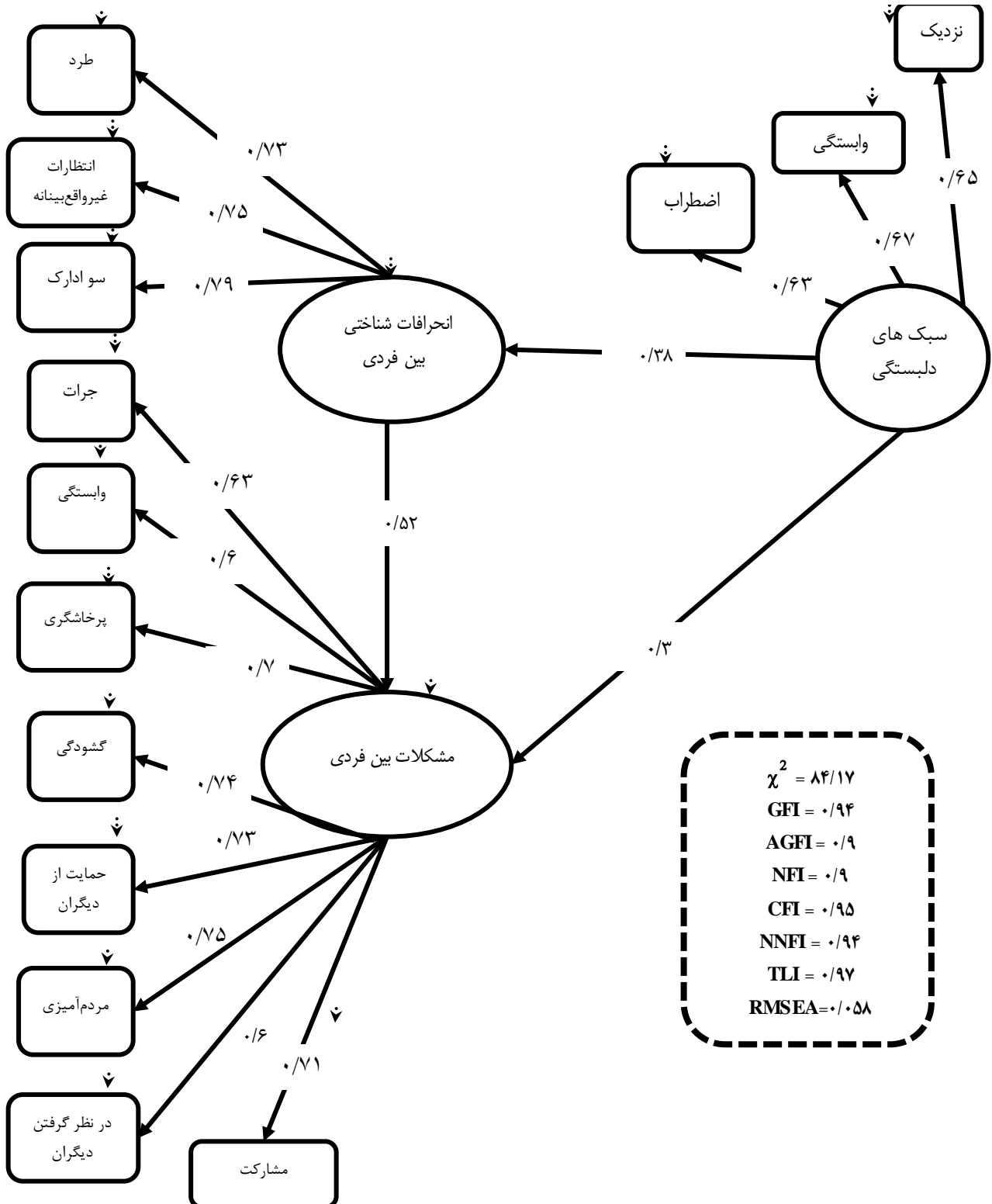
شاخص ها	نتایج	وضعیت
χ^2	۸۴/۱۷	شاخص خوبی دو نیز با درجه آزادی ۴۹ نیز معنادار است. غیرقابل قبول
NFI	۰/۹	قابل قبول
NNFI	۰/۹۴	قابل قبول
PNFI	۰/۶۷	قابل قبول
CFI	۰/۹۵	قابل قبول
IFI	۰/۹۶	قابل قبول
RFI	۰/۸۷	قابل قبول
RMR	۰/۸۵	قابل قبول
GFI	۰/۹۴	قابل قبول
AGFI	۰/۹	قابل قبول
PGFI	۰/۵۹	قابل قبول
RMSEA	۰/۰۵۸	قابل قبول

به‌طورکلی برای ارزیابی مدل معادلات ساختاری چندین مشخصه برازندگی وجود دارد. در این پژوهش برای ارزیابی مدل از شاخص‌های دو، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص اصلاح شده برازندگی (AGFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص بسیار مهم ریشه‌دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شد. مقدار χ^2 دو به حجم نمونه، بسیار وابسته است و نمونه بزرگ کمیت χ^2 دو را بیش از آنچه بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد. ایده آل آن است که χ^2 دو در سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ باشد. با توجه به مقدار گزارش شده این شاخص در جدول ۵، χ^2 دو معنادار است اما چون که حجم نمونه در این پژوهش ۲۱۴ نفر است از شاخص‌های دیگری برای مناسب بودن برازش مدل بهره گرفته شد. شاخص GFI و AGFI بین ۰ و ۱ متغیر هستند و هر قدر به ۱ نزدیک‌تر شوند، برازش مدل بهتر می‌شود. همچنین برای بررسی این مطلب که یک مدل بخصوص در مقایسه با سایر مدل‌های ممکن از نظر تطبیق مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده‌شده تا چه حد خوب عمل می‌کند، از شاخص نرم شده برازندگی (NFI) و شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) استفاده شد. مقادیر بالای ۰/۸ برای NFI و بالای ۰/۹ برای CFI حاکی از برازش بسیار مناسب مدل طراحی شده در مقایسه با سایر مدل‌های موجود است. در نهایت برای بررسی این موضوع که مدل مورد نظر چگونه برازندگی و صرفه‌جویی را با هم ترکیب می‌کند، از شاخص بسیار توانمند ریشه‌دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شد. این شاخص برای مدل‌های خوب ۰/۰۵ و کمتر است، با این حال از ۰/۰۵ تا ۰/۰۸ نیز متوسط است و از ۰/۰۸ تا ۰/۱۰ برازش قابل قبول اما ضعیفی محسوب می‌شود. همچنین مدلی که در آن این شاخص ۰/۱۰ یا بیشتر باشد برازش ضعیفی دارد (هومن، ۱۳۹۲). به‌طورکلی شاخص‌های نیکویی برازش پژوهش در سطح خوبی قرار دارند. و همه شاخص‌های نیکویی برازش حاصل از آزمون الگوی پیشنهادی، به‌طور معنی‌داری برازنده داده‌ها هستند و الگوی پیشنهادی پژوهش از برازندگی خوبی با داده‌ها برخوردار است؛ بنابراین، نیازی به اصلاح الگوی پژوهش وجود ندارد.

به‌طورکلی برای ارزیابی مدل معادلات ساختاری چندین مشخصه برازندگی وجود دارد. در این پژوهش برای ارزیابی مدل از شاخص‌های دو، شاخص برازندگی (GFI)، شاخص اصلاح شده برازندگی (AGFI)، شاخص نرم شده برازندگی (NFI)، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI) و شاخص بسیار مهم ریشه‌دوم برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) استفاده شد. مقدار χ^2 دو به حجم نمونه، بسیار وابسته است و نمونه بزرگ کمیت χ^2 دو را بیش از آنچه بتوان آن را به غلط بودن مدل نسبت داد، افزایش می‌دهد. ایده آل آن است که χ^2 دو در سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ باشد. با توجه به مقدار گزارش شده این شاخص در جدول ۵، χ^2 دو معنادار است اما چون که حجم نمونه در این پژوهش ۲۱۴ نفر است از شاخص‌های دیگری برای مناسب بودن برازش مدل بهره گرفته شد. شاخص GFI و AGFI بین ۰ و ۱ متغیر هستند و هر قدر به ۱ نزدیک‌تر شوند، برازش مدل بهتر می‌شود. همچنین برای بررسی این مطلب که یک مدل بخصوص در مقایسه با سایر مدل‌های ممکن از نظر تطبیق مجموعه‌ای از داده‌های مشاهده‌شده تا چه حد خوب عمل می‌کند، از

شکل ۲

ضرایب مسیر استاندارد و شاخص های برازش مدل پژوهش



بحث

هدف این پژوهش بررسی نقش واسطه‌ای انحرافات شناختی بین‌فردی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی دانش‌آموزان بود. نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد، بین انحرافات شناختی بین فردی با مشکلات بین-فردی رابطه مستقیم وجود دارد، بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌فردی نیز رابطه وجود دارد. این نتایج با پژوهش‌های پیشین در مورد رابطه بین انحرافات شناختی بین‌فردی و سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌فردی همسو است (بشارت، گلی نژاد و احمدی، ۱۳۸۲؛ سنیر و ویسمن، ۲۰۱۶؛ دونکل، لوازوزکی و چوا، ۲۰۱۶؛ استپ، مورس، یاگی، رینولدز، رید و پیکانیس، ۲۰۰۸؛ اونز، اسکرزپیک و والدهام، ۲۰۰۴). این روابط بین متغیرها می‌تواند این‌طور تبیین شود که سبک‌های دلبستگی در به وجود آوردن انحرافات شناختی بین‌فردی نقش دارد، انحرافات شناختی بین‌فردی هم به نوبه خود بر مشکلات بین‌فردی افراد تأثیر خواهد داشت، یا به عبارتی سبک‌های دلبستگی به طور غیر مستقیم از طریق انحرافات شناختی بین‌فردی منجر به مشکلات بین‌فردی خواهد شد.

همان‌طور که نتایج پژوهش حاضر نشان داد انحرافات شناختی بین‌فردی، در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی نقش واسطه‌ای دارد. مسیر اول، سبک‌های دلبستگی به انحرافات شناختی بین‌فردی معنادار بود. این مسیر نشان می‌دهد که بالا بودن نمرات دلبستگی اضطراب و دلبستگی وابسته، منجر به سطح بالای انحرافات شناختی بین‌فردی می‌شود، به این دلیل که تجارب و عواطف ناراحت‌کننده دلبستگی کودکی سطح بالا معمولاً همراه با فقدان مهارت اجتماعی، رفتارهای خصومت‌آمیز و فقدان روابط موفقیت‌آمیز با دیگران است. چنین ویژگی‌هایی به افرادی که تجارب ناراحت‌کننده مرتبط با دلبستگی دارند نسبت داده شده‌است. در عین حال، این افراد در دوره نوجوانی در روابط با همسالان، کیفیت دوستی کمتر و سطح سلامت

کمتری را تجربه می‌کنند. تجارب و عواطف ناراحت‌کننده دلبستگی، انتظارات منفی درباره دیگران، ارتباطات تحریف‌شده را به دنبال دارد، و از این طریق بر تحریفات شناختی بین فردی تأثیرگذار است و منجر به افزایش تحریفات شناختی بین فردی می‌شود (خانجانی، ۱۳۸۴). همچنین مسیر انحرافات شناختی بین‌فردی به مشکلات بین-فردی نیز معنادار است، به این دلیل که افرادی که دارای افکار غیر واقع بینانه در رابطه با دیگران هستند ممکن است این افکار و باورهای غیرواقع بینانه و غیرمنطقی برای آن‌ها مشکلات بین فردی بیشتری ایجاد کند (الیس، ۲۰۰۳). همان‌طور که استنباط می‌شود انحرافات شناختی بین‌فردی نقش واسطه‌ای را در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین‌فردی بازی می‌کند. خانجانی (۱۳۸۴) معتقد است که افرادی که تجارب و عواطف ناراحت‌کننده دلبستگی دارند بیشتر ممکن است در روابط خود با دیگران احساس رضایت کنند و این ویژگی انحرافات شناختی کمتری را در روابط با افراد به دنبال دارد؛ به عبارت دیگر این افراد رضایتمندی بیشتری از تعامل با افراد داشته و باورها و انتظارات غیر واقع بینانه کمتری از اطرافیان خود دارند. باورهای منطقی و واقع بینانه از اطرافیان با رضایت از روابط با دیگران همراه است. افرادی که دارای انحرافات بیشتری در روابط خود هستند به دلیل باورهای ناکارآمد خود دچار مشکلات بیشتری در روابط با دیگران شده و در نتیجه شکست را در روابط خود تجربه می‌کنند (الیس، ۲۰۰۳).

به‌طور خلاصه، این پژوهش بینش خاصی را در مورد فعل و انفعال در بین سبک‌های دلبستگی و انحرافات شناختی بین فردی و مشکلات بین‌فردی ارائه می‌کند. این پژوهش مکانیسم و نحوه تأثیرگذاری سبک‌های دلبستگی بر انحرافات شناختی بین‌فردی دانش‌آموزان را بیان کرده و اثرات غیرمستقیم آن را بر مشکلات بین‌فردی تبیین می‌نماید. نتیجه این پژوهش احتمالاً برای مشاوران مدارس، روانشناسان تربیتی، معلمان، و به‌طورکلی کسانی که با آموزش و

یادگیری سر و کار دارند کاربرد فراوانی در مواجهه با مشکلات بین فردی و آموزش‌های اجتماعی دانش‌آموزان داشته باشد. این یافته‌ها ساختار رابطه بین سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی را برجسته می‌کند. با مروری بر تحقیقات گذشته متوجه می‌شویم که بیشتر تحقیقات صورت گرفته در این زمینه در سطح آموزش عالی بوده است. این پژوهش با تحقیق بر روی دانش‌آموزان، شواهدی برای اعتبار خارجی سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین فردی با نقش واسطه‌ای انحرافات شناختی بین فردی فراهم می‌آورد. این ساختار همچنین الگوهای معتبری را برای ملاحظات روانشناختی به منظور کاهش مشکلات بین فردی و آموزش مهارت‌های اجتماعی افراد ارائه می‌دهد. البته باید به چند محدودیت مهم هم در این پژوهش اشاره کرد. ۱. همه داده‌های این پژوهش به صورت خودگزارش-دهی جمع‌آوری شدند؛ یکی از بزرگ‌ترین مشکلات این شیوه جمع‌آوری در کنترل تأثیر مطلوبیت اجتماعی نهفته است. به عنوان مثال در طول زمان پاسخ‌دهی، آزمودنی‌ها گزینه‌ای را که آنها را بهتر جلوه می‌دهد انتخاب می‌کنند و نه گزینه‌ای را که به طور صحیح وضعیتی فعلی آنها را توصیف می‌کند. این مسئله منجر به کاهش کارایی ابزار اندازه‌گیری می‌شود. استفاده از شیوه‌های ارزیابی چندگانه برای غلبه بر این مشکل پیشنهاد می‌شود. ۲. این مطالعه بر پایه نمونه دانش‌آموزان پسر مقطع دبیرستان در شهر تبریز صورت گرفته است و قابلیت تعمیم‌دهی نتایج آن محدود است. انجام مطالعات و پژوهش در مقاطع دیگر و بر روی هر دو جنس می‌تواند گامی در جهت حل این موضوع باشد. افت نمونه در این پژوهش بسیار زیاد بود؛ تعداد ۸۶ پرسشنامه به دلیل اینکه به طور تصادفی پاسخ داده شده بود کنار گذاشته شد. در این پژوهش روابط بین متغیرها توصیف شده است و روابط علی بین متغیرها به دست نیامده است؛ انجام مطالعه آزمایشی دیدگاه صحیح‌تری را در رابطه بین سبک‌های دلبستگی، انحرافات شناختی بین فردی و مشکلات بین فردی به وجود می‌آورد.

مراجع

- اسماعیل پور، خ. بخشی پور، سردودی، ع و محمدزادگان، ر. (۱۳۹۳). تعیین ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس تحریف شناختی بین فردی در دانشجویان دانشگاه تبریز، راهبردهای شناختی در یادگیری، ۲، ۵۳-۷۲.
- بشارت، م، گلی نژاد، م و احمدی، ع (۱۳۸۲). بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و مشکلات بین شخصی، مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)، ۸، ۷۴-۸۱.
- خانجانی، ز (۱۳۸۴). تحول و آسیب شناسی دلبستگی، تبریز؛ فروزش.
- فتح، ن. فلاح، پ. رسول زاده طباطبایی، ک و رحیمی، ج (۱۳۹۲). روایی و اعتبار پرسشنامه مشکلات بیه فردی (IIP-32)، مجله روانشناسی بالینی، ۵، ۶۹-۸۰.
- مؤیدفر، ه. آقامحمدیان، ح و طباطبایی، س (۱۳۸۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و عزت نفس اجتماعی، مطالعات روانشناختی دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، ۳، ۶۱-۷۲.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۹۲). مدل یابی معادلات ساختاری با کاربرد نرم افزار لیزرل، تهران: سمت

References

- Barkham, M., Hardy, G. E., & Startup, M. (1996). The IIP-32: A short version of the Inventory of Interpersonal Problems. *British Journal of Clinical Psychology, 35*, 21-35.
- Bartholomew, K., & Horowitz, L. (1991). Attachment styles among young adults: A test of a four-category model. *Journal of Personality and Social Psychology, 61*, 226-244
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Volume 1. Attachment*. New York, NY: Basic Books
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and loss: Volume 3. Loss, sadness, and depression*. New York, NY: Basic Books.
- Bradbury, T. N., & Fincham (1993). Assessing dysfunctional cognition in marriage: A reconsideration of the Relationship Belief Inventory. *Psychological Assessment, 5*, 92-101.

- factors and attachment in the stress response in infancy. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 50, 1513–1522.
- Gerhart, J. I., Baker, C. N., Hoerger, M., & Ronan, G. F. (2014). Experiential avoidance and interpersonal problems: A moderated mediation model. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 3, 291-298.
- Ghiabi, B., & Besharat, M. A. (2011). Emotional intelligence, alexithymia, and interpersonal problems. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 30, 98-102.
- Hamamci, Z., & Büyükoztürk, Ş. (2004). The interpersonal cognitive distortions scale: development and psychometric characteristics. *Psychological Reports*, 95, 291-303.
- Han, A., Won, J., Kim, O., & Lee, S. E. (2015). Anger Expression Types and Interpersonal Problems in Nurses. *Asian nursing research*, 9, 146-151.
- Hazan, C., & Shaver, P. (1987). Conceptualizing romantic love as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 511–524.
- Hocking, E. C., Simons, R. M., & Surette, R. J. (2016). Attachment style as a mediator between childhood maltreatment and the experience of betrayal trauma as an adult. *Child abuse & neglect*, 52, pp 94-101.
- Kidd, T., & Sheffield, D. (2005). Attachment style and symptom reporting: Examining the mediating effects of anger and social support. *British Journal of Health Psychology*, 10, 531–541.
- Kilmann, P. R., & Vendemia, J. M. (2013). Partner discrepancies in distressed marriages. *The Journal of social psychology*, 153, 196-211.
- Kilmann, P. R., Urbaniak, G. C., & Parnell, M. M. (2006). Effects of attachment focused versus relationship skills-focused interventions for college students with insecure attachment patterns. *Attachment and Human Development*, 8, 47–62.
- Bramlett, M. D., & Mosher, W. E. D. (2002). Cohabitation, marriage, divorce, and remarriage in the United States. *Vital Health Statistics* (Series 23, No. 22).
- Brennan, K. A. (1999). Searching for secure bases in attachment-focused group therapy: Reaction to Kilmann et al. (1999). *Group Dynamics: Theory, Research, and Practice*, 3, 148–151.
- Burnett, P. (1987). Assessing marital adjustment and satisfaction: A review. *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, 20, 113–121.
- Černe, M., Batistič, S., & Kenda, R. (2018). HR systems, attachment styles with leaders, and the creativity–innovation nexus. *Human Resource Management Review*.
- Chui, W. Y., & Leung, M. T. (2016). Adult attachment internal working model of self and other in Chinese culture: Measured by the Attachment Style Questionnaire—Short Form (ASQ-SF) by confirmatory factor analysis (CFA) and item response theory (IRT). *Personality and Individual Differences*, 96, pp 55-64.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(4), 644-663
- Doinita, N. E., & Maria, N. D. (2015). Attachment and Parenting Styles. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 203, pp 199-204.
- Dunkel, C. S., Lukaszewski, A. W., & Chua, K. (2016). The relationships between sex, life history strategy, and adult romantic attachment style. *Personality and Individual Differences*, 98, 176-178.
- Ellis, A. (2003); the nature of disturbed marital interaction. *Journal Of Rational – Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, 21, 147-153.
- Frigerio, A., Ceppi, E., Rusconi, M., Giorda, R., Raggi, M., & Fearon, P. (2009). The role played by the interaction between genetic

- and attachment issues: Toward alternative treatment approaches for children with a history of abuse. *International Journal of Behavioral Consultation and Therapy*, 5, 56-74.
- Sharif, Z. M., Yadegari, N., Bahrami, H., & Khorsandi, T. (2018). Representation of children attachment styles in corman's instruction of family drawing. *The Arts in Psychotherapy*, 57, 34-42.
- Snir, S., & Wiseman, H. (2016). Couples' joint drawing patterns: Associations with self-report measures of interpersonal patterns and attachment styles. *The Arts in Psychotherapy*, 48, 28-37.
- Stepp, S. D., Morse, J. Q., Yaggi, K. E., Reynolds, S. K., Reed, L. I., & Pilkonis, P. A. (2008). The Role of Attachment Styles and Interpersonal Problems in Suicide-Related Behaviors. *Suicide and Life-Threatening Behavior*, 38, 592-607.
- Thimm, J. C. (2013). Early maladaptive schemas and interpersonal problems: A circumflex analysis of the YSQ-SF. *International journal of psychology and psychological therapy*, 13, 113-124.
- Widom, C. S., Czaja, S. J., Kozakowski, S. S., & Chauhan, P. (2017). Does adult attachment style mediate the relationship between childhood maltreatment and mental and physical health outcomes? *Child abuse & neglect*.
- Lampard, A. M., Byrne, S. M., & McLean, N. (2011). Does Self-Esteem Mediate the Relationship between Interpersonal Problems and Symptoms of Disordered Eating? *European Eating Disorders Review*, 19, 454-458.
- Lawson, D. M., & Brossart, D. F. (2009). Attachment, interpersonal problems, and treatment outcome in group therapy for intimate partner violence. *Psychology of Men & Masculinity*, 10(4), 288.
- Lee, J., Sohn, B. K., Lee, H., jeong Seong, S., Park, S., & Lee, J. Y. (2018). Attachment style and filial obligation in the burden of caregivers of dementia patients. *Archives of gerontology and geriatrics*, 75, 104-111.
- McEvoy, P. M., Burgess, M. M., & Nathan, P. (2014). The relationship between interpersonal problems, therapeutic alliance, and outcomes following group and individual cognitive behavior therapy. *Journal of affective disorders*, 157, 25-32.
- Meganck, R., Vanheule, S., Inslegers, R., & Desmet, M. (2009). Alexithymia and interpersonal problems: A study of natural language use. *Personality and Individual Differences*, 47, 990-995.
- Owens, L., Skrzypiec, G., & Wadham, B. (2014). Thinking patterns, victimisation and bullying among adolescents in a South Australian metropolitan secondary school. *International Journal of Adolescence and Youth*, 19, 190-202.
- Prather, W., & Golden, J. A. (2009). A behavioral perspective of childhood trauma